

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با «سدریک ویلانی» ریاضی‌دان فرانسوی برنده مدال «فیلدز»

ایران نقش پررنگی در تاریخ علم داشته‌است



عکس: ژنوفان رستمی، شرق

ریاضی‌دانی با افتخارات بسیار

پروفسور «سدریک ویلانی»، (متولد پنجم اکتبر ۱۹۷۳) ریاضی‌دان برجسته فرانسوی و برنده مدال فیلدز در سال ۲۰۱۰، بیستم اردیبهشت به ایران آمد و تا بیست‌وسوم اردیبهشت در ایران ماند. او در طول اقامت خود، هم به پژوهشگاه دانش‌های بنیادی تهران رفت و هم در دانشگاه صنعتی شریف و دانشکده علوم دانشگاه تهران به سخنرانی علمی ترویجی پرداخت. عنوان سخنرانی او در دانشگاه تهران «سیاره‌ها، ستاره‌ها و ابدیت– پایداری و رفتار درازمدت در مکانیک سماوی کلاسیک» بود. زمینه کاری «سدریک ویلانی»، معادله دیفرانسیل با مشتقات پاره‌ای و فیزیک ریاضی است. «ویلانی» هم‌اکنون استاد ریاضی دانشگاه لیون و مدیر مؤسسه پژوهش‌های ریاضی هانری پوانکاره در پاریس است. او تاکنون برنده جوایز بسیاری شده است ازجمله: جایزه هانری پوانکاره (۲۰۰۹)، جایزه فرما (۲۰۰۹)، جایزه انجمن ریاضی اروپا (۲۰۰۸) و جایزه هربرند (۲۰۰۷).

مسائل نظامی استفاده می‌کند و دستاوردهای علم و فناوری در جنگ‌ها به‌کار می‌رود. البته من فکر می‌کنم این موضوع ویژگی و خصوصیت انسانی است و باید تا حدودی آن را پذیرفت و با آن کنار آمد.

❖ در مورد ماهیت علم، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند علم حقیقتی ثابت است که در همه‌جا به شکل یکسان ظاهر می‌شود، اما برخی دیگر معتقدند علم وابسته به فرهنگ و تمدن مکانی است که در آنجا متولی می‌شود. شما با کدام نظر موافق هستید؟

من می‌خواهم روی دو موضوع تأکید کنم؛ یک موضوع، حقیقت علم است که در همه‌جا یکسان است و مطلب دیگر، نظر و دیدگاه شخص یا برداشت او از علم است که وابسته به فرهنگ است. در چند دهه اخیر جریانِ مطرح شده که عینیت علم را زیر سؤال ببرند و بگویند علم کاملا وابسته به فرهنگ است که من با این موضوع کاملا مخالفم، چون هرچند تفسیر ما از پدیده‌های پیرامون ما وابسته به فرهنگ است و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند، اما حقیقت علم، موضوعی ثابت است.

❖ اتفاقا من هم می‌خواستم درباره انواع تفسیرها از علم با نتیجه‌گیری‌های اخلاقی از علم ببرسم. یکی از استادان شیمی استدلال می‌کرد در یک دمای مشخص مثلا ۲۰درجه سانتی‌گراد، سرعت همه مولکول‌ها یکسان و برابر نیست، برخی سرعت کم دارند، برخی سرعت زیاد و برخی هم سرعت متوسط. در جامعه انسانی هم همین طور است، برخی پول کمی دارند، برخی پول زیاد، ما هم باید از قانون طبیعت پیروی کنیم و نباید با فقر مقابله کنیم یا شعار برابری بدهیم.

در این موارد، تفسیرهای بسیار متفاوتی وجود دارد، اما من می‌خواهم پیش از همه، روی این نکته تأکید کنم که جامعه انسانی یک سیستم فیزیکی است که خوب توصیف نشده است. رفتار جامعه انسانی بسیار آماری است و تفسیرهای بسیار متفاوتی درباره آن ارائه شده است. شباهت‌های مختصری بین جامعه و فیزیک آماری وجود دارد. مسائلی مثل جمعیت و تقسیم ثروت و اختلاط اقوام مختلف را تا حدودی می‌توان با استفاده از رابطه‌های ریاضی بررسی کرد.

در برخی از موارد با دقت خوبی به پاسخ می‌رسیم و در برخی از موارد هم به جواب نمی‌رسیم. در زمینه تقسیم ثروت هم مطالعات زیادی انجام شده است و دانشمندان و ریاضی‌دانان در زمینه توزیع ثروت در جامعه، پژوهش‌های بسیار خوبی انجام داده‌اند. خلاصه آنکه جامعه انسانی پدیده‌ای است که ما انسان‌ها آن را می‌سازیم و در عین‌حال، از آن نیز تأثیر می‌گیریم، یعنی رابطه ما با جامعه‌ها، رابطه پیچیده و دشواری است. در هر صورت، من موافق این نیستم که از پدیده‌های فیزیکی طبیعت، نتیجه‌گیری اخلاقی کنیم. طبیعت نمی‌تواند معلم اخلاق خوبی باشد.

❖ ولی استفاده از پدیده‌های طبیعت برای ترویج یک باور خاص، همیشه وجود داشته است،

متأسفانه دولت‌هایی را می‌بینیم که می‌خواهند با تفسیرهای خاص از طبیعت و پدیده‌های طبیعی، به نفع خودشان یا ایدئولوژی‌هایشان بهره‌برداری کنند. یک مثال بارز در این زمینه، حکومت شوروی سابق است. در آن زمان، شخصی به نام «لینزکو» سعی می‌کرد اثبات کند طبیعت هم کمونیست است. امروزه که به ادعاهای او دقت می‌کنیم، می‌بینیم ادعاهای او نتهتنها بی‌معنی نبود، بلکه باعث شد زیست‌شناسی در شوروی از بین برود و به مردم هم خسارت وارد شود. خلاصه آنکه، به نظر من وجود رقابت در طبیعت دلیل نمی‌شود که ما انسان‌ها هم با یکدیگر بجنگیم، برعکس،

به نظر من اگر ما انسان‌ها به قدر کافی باهوش باشیم، درمی‌یابیم که می‌توانیم بر طبیعت تأثیر بگذاریم. یادمان باشد در طبیعت، خوب و بد وجود ندارد. ثروت در جامعه انسان‌ها به شکلی بسیار نامساوی تقسیم شده است. می‌دانیم در دنیا حدود هزارو ۸۰۰ میلیارد وجود دارد. مطمئنا این تقسیم نابرابر ثروت در جامعه، مشکلات بسیاری را پدید آورده است. اگر بتوان ثروت موجود در جامعه را به‌طور مساوی بین همه افراد جامعه تقسیم کرد، بسیاری از مشکلات حل می‌شود؛ هرچند شاید انجام این کار دشوار باشد. «بیل گیتس» یکی از افرادی است که با استفاده از ثروت خود، کاری‌های خیریه بسیاری انجام داده که به نفع همه مردم جامعه است. اما اگر او از این ثروت خود استفاده نکند و به‌اصطلاح ثروت‌های او را‌کد بماند، میرا می‌شود؛ یعنی نه برای خودش قایدهای دارد و نه برای جامعه.

❖ شما در جایی به اهمیت کیفیت مقالات اشاره کردید و گفتید بهتر است به جای افزایش تعداد مقاله‌های علمی، به کیفیت مقاله، بیشتر اهمیت دهیم. شما حتی روی این نکته هم تأکید کردید برخی از دانشمندان بزرگ در تمام زندگی خود فقط یک مقاله منتشر کرده‌اند که همان یک مقاله تأثیرگذار شد. می‌توانید توضیح دهید چرا کیفیت تا این اندازه نزد شما اهمیت دارد؟

کیفیت، درواقع، مفهومی است مانند زیبایی و مثل آن به‌شدت وابسته به نظر و سلیقه شخصی است، به بیان دیگر، کیفیت هم مانند زیبایی چیزی عینی نیست، یعنی چیزی نیست که بتوان با استفاده از معیارهایی خاص، آن را اندازه گرفت. مفاهیم این چنینی به عوامل بسیاری وابسته‌اند؛ ازجمله به دیدگاه پدران و نیاکان ما. در حقیقت، می‌توان مقاله باکیفیت را مقاله‌ای دانست که اجتماع دانشمندان، آن را مقاله باکیفیت می‌دانند. درواقع، برای آنکه بدانیم مقاله‌ای باکیفیت است، باید پرسید آیا این مقاله از دیدگاه دانشمندان، مقاله‌ای باکیفیت است یا خیر. مهم‌ترین چیز در مورد کیفیت مقاله‌های علمی، نظر جامعه علمی بین‌المللی است.

❖ ما چگونه می‌توانیم به نظر جامعه علمی درباره یک مقاله بی‌بیریم؟

به روش‌های مختلف، برای مثال مجله‌های علمی در رشته ریاضی شناخته‌شده هستند و همه ریاضی‌دانان درجه اعتبار هر مجله یا ژورنالی را می‌دانند. چاپ مقاله در نشریات معتبر، بسیار دشوار و در مجله‌های دیگر آسان‌تر است. به همین دلیل چاپ فقط یک مقاله در یک نشریه خاص و معتبر، به اندازه چاپ ۵۰ مقاله در نشریات دیگر اعتبار دارد.

❖ گفتید اعتبار یک مقاله علمی را جامعه علمی همان رشته تعیین می‌کند. آیا این روش با اصول دموکراتیک همخوانی دارد؟

بله، حق دارید این پرسش را مطرح کنید. اما اگر بخواهم به‌طور خلاصه بیان کنم، می‌توانم بگویم علم تا حدود زیادی دموکراتیک است، زیرا همه مردم می‌توانند در آن مشارکت کنند. اما در زمینه ارزیابی کیفیت یک مقاله یا داوری درباره علم، چندان هم دموکراتیک نیست و این موضوع در ماهیت علم ریشه دارد. می‌خواهم مثالی بزنم که شاید شما را شگفت‌زده کند. در مسابقات مربوط به انتخاب دختران شایسته، همه داوران یا حتی مردم عادی با یکدیگر هم‌عقیده نیستند.

❖ گفتید داور نهایی درباره علم، خود جامعه علمی است، ولی من می‌توانم مثال‌های بسیاری برایتان بگویم که نشان می‌دهد یک نظریه غلط مطرح می‌شود و این نظریه، طرفداران بسیاری پیدا می‌کند و سال‌ها هم دانشمندان آن را قبول دارند، اما بعد از مدت‌ها مشخص می‌شود این نظریه درست نبود و باید آن را تغییر داد یا به‌کل باید آن را کنار گذاشت، مثل نظریه فلورئستونی سوختن، یعنی جامعه علمی هم اشتباه کرده است. این موضوع مرجع‌بودن جامعه علمی در مورد نظریه‌های علمی را زیر سؤال نمی‌برد؟

مثال خوبی را مطرح کردید، ولی به این نکته هم توجه داشته باشید که همان‌طور که خودتان هم گفتید، پس از گذشت مدتی و انجام آزمایش‌های بسیار، زمانی که دانشمندان دیدند نظریه‌های موجود نمی‌توانند پدیده‌های مشاهده‌شده را توصیف کند، یا نظریه را اصلاح می‌کنند یا آن را کنار می‌گذارند. در هر صورت به‌طور خلاصه می‌توان گفت علم به اشتباه خود اعتراف و خود را کامل‌تر می‌کند، اما افراد به اشتباه خود اعتراف نمی‌کنند و این مهم‌ترین ویژگی دموکراتیک‌بودن علم است.

❖ در مورد اینکه گفتید افراد به اشتباه خود اعتراف نمی‌کنند، ضرب‌المثلی علمی هست که می‌گوید یک نظریه غلط زمانی به‌طور کامل کنار گذاشته می‌شود که همه طرفداران آن نظریه بمیرند.

کسی که چنین سخنی را گفته حس شوخ‌طبعی زیادی داشته و کمی در این زمینه اغراق کرده است، ولی در هر صورت، رگه‌هایی از واقعیت هم در این سخن دیده می‌شود.

❖ خانم «مریم میرزاخانی» ریاضی‌دان جوانی است که او هم مثل شما برنده مدال «فیلدز» شده است. آیا خانم «میرزاخانی» را می‌شناسید؟

من از قبل خانم «میرزاخانی» را می‌شناختم و با ایمیل با یکدیگر در ارتباط بودیم، اما حدود دو ماه پیش بود که او را در کالیفرنیا ملاقات کردم. مقدمات سفر من به ایران را نیز او فراهم کرد و باعث شد من با افراد بسیاری در ایران آشنا شوم. او یکی از بزرگ‌ترین ریاضی‌دانان زمان ماست و سال‌ها نام او به‌عنوان یکی از نامزد‌های مدال فیلدز مطرح بود که در نهایت هم آن را دریافت کرد. کل کار جامعه ریاضی بسیار خوشحال شدند که «مریم میرزاخانی» توانست در بالاترین سطح علمی قرار گیرد. خانم «میرزاخانی» ریاضی‌دان برجسته‌ای است، اما در نظر داشته باشید او اولین بانویی است که توانسته جایزه فیلدز را دریافت کند و این موضوع اهمیت جایزه او را چند برابر می‌کند. علاوه بر این، خانم «میرزاخانی» شخصیت بسیار مهربان و حساسی دارد و همواره تلاش می‌کند تا به دیگران کمک کند. «مریم میرزاخانی» توانست هوشمندی ایرانی‌ها را بیش‌ازپیش در میان دانشمندان به نمایش بگذارد. من برای خانم «میرزاخانی» احترام فوق‌العاده‌ای قائل هستم. به نظر من کشور ایران باید بسیار خوشحال باشد که توانسته است سفیری این چنین کارآمد در عرصه جهانی داشته باشد.

منشور

زیبایی از دید ریاضی‌دان معنایی نهفته در بطن

فاطمه کاظمی

«سدریک ویلانی»، ریاضی‌دان است و شیفته زیبایی. برخلاف فیزیک‌دانان که زیبایی، برایشان چندان اهمیت ندارد و بر این باورند که باید رابطه‌هایی را پذیرفت که درستی‌شان در آزمایش‌های تجربی تأیید شده باشد، «ویلانی» تأکید بسیاری روی زیبایی دارد. او در این مصاحبه و همچنین در سخنرانی‌های دیگر خود، بارها درباره زیبایی صحبت کرده و به‌ویژه اشاره کرده که ریاضیات زیا است. از او می‌پرسم منظور شما از زیبایی چیست و چه بخشی از ریاضیات از دید شما زیباست؟ «ویلانی» می‌گوید در مورد زیبایی و زیبایی فرمول‌ها و رابطه‌های ریاضی، بسیار سخن گفته‌اند، اما اگر من بخواهم خلاصه بگویم، روی این نکته تأکید می‌کنم یک رابطه ریاضی به‌خودی‌خود زیبا نیست، بلکه آن چیزی که در بطن این رابطه ریاضی نهفته، زیباست. یعنی آن چیزی که آن رابطه ریاضی بیان می‌کند، زیباست. برخی هم می‌گویند شیوه اثبات یک رابطه ریاضی زیباست، یعنی اینکه چگونه از مقدمات به نتیجه برسیم، نشان‌دهنده زیبایی ریاضی است. سیری که از مقدمه شروع می‌کنیم تا به نتیجه برسیم، می‌تواند زیبایی‌های بسیاری در خود نهفته باشد. من از گفته‌های او چندان سربلند نمی‌آورم، تصمیم می‌گیرد این مفهوم را با یک مثال بهتر توضیح دهد. رابطه ^e + ۱= 0» را روی کاغذ می‌نویسد و می‌پرسد نظرم درباره این رابطه ریاضی چیست؟ می‌گویم به نظر من رابطه پیچیده‌ای است که درک مفهوم آن دشوار است، اما «ویلانی» تأکید می‌کند از دید یک ریاضی‌دان، مهم‌ترین ویژگی این رابطه، زیبایی آن است. این رابطه که تساوی اولیتر نام دارد، حالت خاصی از فرمول اویلر در آنالیز مختلط است. این رابطه بسیار زیباست، زیرا توانسته پنج عنصر و به بیان دیگر، پنج مفهوم مختلف را در عبارتی کوتاه و خلاصه، گردهم آورد. یکی از این عنصرها، عدد یک است. عدد یک، سراسر آغاز اعداد و به تعبیر بهتر، سرازار ریاضی است. می‌دانید عدد یک، عدد خنثی در عمل ضرب است. عنصر دیگر، عدد صفر است. معنای صفر از معنای عدد یک پیشرفته‌تر است و سال‌ها پس از ابداع اعداد، مفهوم صفر پدید شد. این شکل را نداشتیم. می‌دانید صفر عدد خنثی در عمل جمع است. عنصر دیگر عدد e است که عدد اویلر یا پایه لگاریتم طبیعی نام دارد و در آنالیز ریاضی، بسیار ظاهر می‌شود و مقدار آن ۲.۷۱۸۲۸۱۸۲۸ e عددی گنگ است. می‌دانید عدد e عددی گنگ است، یعنی نمی‌توان آن را به صورت نسبت دو عدد صحیح (یعنی یک عدد کسری) نشان داد. عنصر دیگر عدد e است که واحد عدد موهومی است که با رابطه ۱- i² = تعریف می‌شود، یعنی ریشه عدد ۱- است. عنصر دیگر، عدد پی است که در هندسه فضای اقلیدسی و آنالیز ریاضی، بسیار دیده می‌شود و به صورت نسبت محیط دایره به قطر دایره تعریف می‌شود و مقدار آن برابر با ۳.۱۴۱۵۹۲۶۵ است و می‌دانید عدد پی نیز عدد گنگ است. زیبایی این رابطه این است که توانسته است پنج عنصر مختلف از شاخه‌های گوناگون ریاضی با پنج مفهوم گوناگون و در عبارتی بسیار کوتاه، کنار هم گرد آورد. این رابطه مثل این است که ما با خانواده‌ای آشنا شویم که هر عضو آن روحیات و خلقیات مخصوص به خود و متفاوت از دیگران داشته باشد و در عین رابطه‌ای قوی و درعین‌حال نامرئی، آنان را در کنار یکدیگر نگه می‌دارد. البته در نظر داشته باشید این رابطه، تنها رابطه زیبای ریاضیات نیست. از این موارد بسیاریند، اما من به دلیل کمی وقت به همین یک مثال اکتفا می‌کنم.

بدون مرز

«سدریک ویلانی» در ایران از چه سخن گفت همزیستی در صلح و احترام متقابل

بابک فرهادی

«سدریک ویلانی»، ریاضی‌دان عجیبی است. معمولاً دانشمندان دوست دارند در یک رشته و موضوع خاص، عمیق شوند و دیگری را که به همه رشته‌ها سرگ می‌کنند، با عبارت‌هایی مانند «اقیانوسی به عمق یک و جب» توصیف می‌کنند. اما «ویلانی» ریاضی‌دان برجسته‌ای است که هم در رشته تخصصی خود به برترین افتخارات دست یافته و حضور در کنفرانس‌های او، فرصت مغفتمی برای دیگر همکاران است؛ هم دانشجویان رشته‌های گوناگون از سخنرانی عمومی و علمی ترویجی او استقبال می‌کنند، هم اینکه خودش با بسیاری از حوزه‌های غیرمرتبط با ریاضیات با علم مانند تاریخ، هنر و مباحثی از این‌دست آشناست. وی دوشنبه ۲۱ اردیبهشت میهمان دانشگاه صنعتی شریف بود و در جمع اساتدان و دانشجویان مشتاق، درباره حرکت سیارات و ستارگان، معادلات بیان‌کننده این حرکت‌ها، تاریخ تکامل تدریجی درک حرکت سیارات و پایداری این حرکت‌ها سخنرانی کرد. دکتر «ویلانی» در این جلسه درباره اهمیت و کاربرد ریاضیات در تفسیر پدیده‌های طبیعت (از یک ذره تا ستاره و کهکشان، هنر و جامعه) سخن گفت که با استقبال چشمگیر دانشجویان همراه بود. دکتر «ویلانی» درباره استقبال دانشجویان از این سخنرانی گفت: «سالان بزرگ سخنرانی به‌طور کامل پر شده بود و برخی ایستاده به سخنرانی گوش می‌کردند. دانشجویان سؤالات بسیاری پرسیدند که این همه اشتیاق دانشجویان برای این سسایار جالب بود». وی افزود: «به‌عنوان یک دانشمند می‌گویم گسترش ارتباطات علمی می‌تواند هماهنگی بیشتری میان مردم جهان ایجاد کند و من بسیار علاقه‌مند هستم که به گسترش ارتباطات میان ملت‌ها کمک کنم. امیدوارم چنین ارتباطاتی برای بهبود روابط دیپلماتیک کشورها نیز مفید واقع شود». وی درباره آنچه در دانشجویان کمک می‌کند تا در مسیر کسب جایزه فیلدز یا انجام کارهای بزرگ در ریاضیات گام بردارند، گفت: «هرچند بخشی از این مسیر به بحث و اقبال بستگی دارد، اما دانشجویان باید سعی کنند در یک زمینه خاص، تا حد ممکن توانمند شوند و با کنجکاوی، وقایع آن حوزه را دنبال کنند تا فرصت مناسب پیش آمده و آنها بتوانند به‌موقع از فرصت‌ها استفاده کنند». به‌نظر وی، ارتباط با دیگر دانشمندان و حضور در رخداد‌های علمی نیز نقش بسزایی در پیشرفت‌های علمی دارد. دکتر «ویلانی» در ادامه گفت: «من امروز شاهد دانشجویان مشتاق بسیاری بودم که می‌خواستند بدانند چگونه ریاضیات می‌تواند به شناخت آنها از جهان کمک کند و در هر کشوری جوانان، آینده کشور را نشان می‌دهند و من امروز بخشی از آینده ایران را دیدم». وی در ادامه، در جلسه دیدار با مسئولان دانشگاه، به موضوع تبادل استاد و دانشجو اشاره کرد و آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری توصیف کرد. دکتر «ویلانی» بر ارتباطات شخصی اساتدان تأکید کرد و گفت: «علاوه بر توافق‌ها و تفاهم‌نامه‌های بین‌دانشگاهی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، راه مناسبی است که به تسهیل روابط بین دانشمندان و اساتدان کمک می‌کند». اما از اینها گذشته، او توصیف زیبایی از ریاضیات دارد. به نظر او، خواندن ریاضی مانند تماشای یک سریال پلیسی است، چراکه درک خط اصلی استدلال‌های کارآگاهان که به کشف جرم منجر می‌شود، بسیار مهم‌تر از خود جرم است. بسیاری او را یکی از بزرگ‌ترین ریاضی‌دانان معاصر می‌دانند، اما خود او معتقد است مغز انسان برای درک ریاضیات تکامل نیافته است. البته برای آنکه مجذوب دکتر «ویلانی» شویم، لازم نیست حتماً پای سخنرانی‌اش حاضر شویم، بلکه تماشای هیئت ظاهری او نیز کافی است. او مانند اشراف‌زادگان قرن نوزدهم لباس می‌پوشد. موهایی بلند، کراوات خاصش، ربوکوت ریز یقه تفت، اندام لاغر و خوش‌پوشی، باعث شده برخی او را به «لیدی گاتای»، ریاضیات تشبیه کنند؛ تشبیهی که چندان هم براه نیست، دست‌کم وقتی که روی صحنه درباره تاریخ ریاضیات و ارتباطش با علوم دیگر سخن می‌گوید، طرفداران بسیاری دارد و پس از اتمام سخنرانی، بسیار تشویق می‌کنند. اما جالب‌ترین موضوع درباره دکتر «ویلانی»، علاقه او به فرهنگ و موضوعات هنری است.

پس از اتمام گفت‌وگویی که با دکتر «ویلانی» داشتم، به او گفتم پرسش‌های من به پایان رسید. اگر نکته خاصی مدنظرتان هست که من نپرسیدم، خوشحال می‌شوم که بگویید. در پاسخ گفت شما پرسش‌های خوبی پرسیدید و من خوشحال شدم که به چنین پرسش‌هایی پاسخ دادم. اما من خیلی دلم می‌خواست که از من پرسید وقتي کلمه ایران یا ایرانی را به یک پارسی یا یک فرانسوی می‌گویم، چه چیزی را به یاد می‌آورم، یا یک‌لمه ایران برای فرانسوی‌ها تداعی‌کننده چه چیزی است؟ آنچه در ادامه می‌آید، پرسش و پاسخ کوتاهی است که با دکتر «ویلانی» درباره تاریخ و فرهنگ ایران داشته‌ام.

❖ چه پرسش خوبی! راستی فرانسوی‌ها ایران را به چیزی می‌شناسند؟

ایرانی‌ها در چندین نام دارند که به‌نظر من، اولین آن سینماست. بسیاری از فرانسوی‌ها سینمای ایران را دوست دارند و آن را تحسین می‌کنند. به‌نظر من سینما پل ارتباطی برای فرهنگ ایران و فرانسه است. هرچند به نظر من، بسیاری از رسانه‌ها دنبال سوزهای حاشیه‌ای هستند، اما به باور من، سینما یک ابزار نوین است که می‌تواند بین فرهنگ‌های گوناگون و ازجمله فرهنگ ایران و فرانسه پل بزند. به نظر من باید به کارگردان‌های خود افتخار کنید.

❖ ولی من گمان می‌کردم اگر از شما بپرسم چه جنبه از فرهنگ ایران در ذهن فرانسوی‌ها پررنگ‌تر است، شما احتمالا ادبیات را مثال بزنید.

بله، البته آن هم هست. ایران فرهنگ غنی و سرشاری دارد که در ادبیاتش نمود پیدا کرده و تا جایی که من می‌دانم، ایرانی‌ها به شاعرانشان افتخار می‌کنند.

❖ آیا می‌دانستید یکی از دانشمندان بزرگ فرانسه، همان شاعر برجسته ایران است؟

واقعاً؟ نه نمی‌دانستم. «سادی کارنو» را می‌شناسم و با پژوهش‌های او نیز آشنا هستم. «کارنو» فیزیک‌دان فرانسوی بود که قانون دوم ترمودینامیک را کشف کرد و چرخه کارنو در ماشین‌های گرمایی، به نام اوست، اما اصلا گمان نمی‌کردم نام او، ریشه ایرانی داشته باشد. این هم نشانه دیگری است که نشان می‌دهد ما اسنان‌ها، عوامل بسیاری برای همزیستی در صلح و احترام متقابل به فرهنگ‌های متفاوت داریم.

چه جالب! ما «سادی کارنو» را می‌شناسم و با پژوهش‌های او نیز آشنا هستم. «کارنو» فیزیک‌دان فرانسوی بود که قانون دوم ترمودینامیک را کشف کرد و چرخه کارنو در ماشین‌های گرمایی، به نام اوست، اما اصلا گمان نمی‌کردم نام او، ریشه ایرانی داشته باشد. این هم نشانه دیگری است که نشان می‌دهد ما اسنان‌ها، عوامل بسیاری برای همزیستی در صلح و احترام متقابل به فرهنگ‌های متفاوت داریم.